



تفسیر قرآن مجید

سوره رعد

آیه ۱

چرا قرآن «فرقان»

نامیده شده؟

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱ - تَبٰرَكَ الَّذِیْ نَزَلَ الْفُرْقٰنَ عَلٰی عَبْدِهِ

لِیَكُوْنَ لِلْعٰلَمِیْنَ نَذِیْرًا

پایدار است : خدائی که فرقان (قرآن) را بر بنده خود فرستاده تا به جهانیان بیدهنده باشد .

مکتب اسلام

«فرقان» به چیزی گفته می شود که حق و باطل را از هم جدا می سازد و سبب می شود که انسان آن دورا از هم تمیز دهد، و حقیقت را از مجاز، و صحیح را از خطا باز شناسد .

از این نظر تعجب نخواهیم کرد وقتی بینیم قرآن معجزات ننگانه موسی را «فرقان» می نامد ، زیرا اعجاز پیامبران بزرگترین دلیلی است که در پر تو آن می توان حق و باطل را از هم جدا ساخت آن جا که می .

فرماید : **وَ اِذْ اَتٰنَا مُوسٰی الْكِتٰبَ وَالْفُرْقٰنَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ** (سوره بقره آیه ۵۳)

بیاد آر هنگامی را که به موسی کتاب و قرآن (دلائل و معجزات استواری که می توان به وسیله آنها میان حق و باطل فرق گذارد) دادیم تا شما (ملت بنی اسرائیل) هدایت شوید .

یاز تعجب نخواهیم کرد که قرآن، روز «بلد» را روز فرقان می نامد و می فرماید : **وَ اِمَّا نُرِ الْاَعْلٰی عِبْدِنَا یَوْمَ الْفُرْقٰنِ** (سوره الفال آیه ۸) : « آن پیروزی که روز فرقان (روز جنگ بلد) نصیب بنده خود کردیم .

چه راهی روشن شود دلیلی استوار برای شناسایی حق از باطل از پیروزی چشم گیریست جمعیت ناپیروز غیر معجزه ، بر گروهی که از نظر تعداد چند برابر سربازان اسلام بوده ، و با آخرین سلاح روز خود را

معجز کرده بودند ، تنها چیزی که توانست کمبود نیروی اسلام را جبران و جایگزین قدرت مادی و سلاح بر نده دشمن کند، همان قدرت معنوی و ایمان سربازان رزمنده اسلام به هدفی که در راه آن نبرد می کردند ، بود (۱)

دوی این بیان کتاب آسمانی ما قرآن بزرگترین «فرقان» و وسیله تشخیص حق از باطل است ، از روز نزول آن بیش از چهارده قرن می گذرد و از دوزخست همه مردم جهان را به مقابله و مبارزه طلبیده و مدعی شده است که این کتاب «آئینه فکر بشری» و «صنوع ذهن انسانی» است . و اگر در این باره تردید دارید بر چیزی از انصیب ما به قرآن یعنی (التبای) که همگی آن را در اختیار دارید لافاقل بسك سوره مانند سرده های آن را بیاورید و اگر در این باره با شکست دویرو شدید مطمئن باشید که این کتاب مربوط به انسانی نیست بلکه از طرف خدا است .

چهارده قرن از این دعوت جهانی می گذرد هنوز بشر نتوانسته نمونه ای از این قرآن بلکه همان سرده های کوچک آن بیاورد تا چه رسد به کتابی مانند قرآن ، آیا باین حال این کتاب ، فرقان بزرگ ، و فارق میان حق و باطل ، نیست ؟

گفته از این ، معارف علی قرآن پیرامون مبدء و معاد و تشریح احکام ، و قصص راستین ، و معجزه های علمی آن که پس از چهارده قرن ، بشر از طریق تجربه و آزمایش به صحت خبرهای علمی آن اعتقاد راسخ پیدا کرده است نشانه بارزی از انتساب قرآن

به مقام ربوبی است ، و با در نظر گرفتن این جهات ، محتویات چنین کتابی می تواند حق و باطل را از هم جدا سازد ، و مازایه شاهراه حقیقت رهنمون گردد .

از این جهت نه تنها همه قرآن «فرقان» و جدا کننده حق از باطل است ؛ بلکه هر سوره و هر آیه ای از آن در شعاع مخصوصی می تواند موجب فاصل میان حق و باطل گردد ، و اگر به سوره مورد بحث ، «سوره فرقان» می گویند از این نظر است که لفظ فرقان در نخستین آیه آن وارد شده است و گرنه همه اجزای قرآن ، فرقان و جدا سازنده حق از باطل می باشد

با خصوصیات این سوره آشنا شویم :

سوره فرقان بیست و پنجمین سوره قرآن است ، و شماره آیات آن هفتاد و هفت آیه می باشد ، مفسران اسلامی تقریباً اتفاق نظر دارند که این سوره در مکه نازل شده از این نظر آن وارد شده سوره های «مکی» قرار می دهند ، و مضامین آیات سوره نیز بر صحت این نظر گواهی می دهد زیرا محور بحث در سوره های مکی غالباً اصول سه گانه اسلام بالاخص موضوع مبدء و توحید و یگانگی خدا ، و معاد و بازگشت مردم به زندگی بعد از مرگ است .

تنها چیزی که هست بر برخی از مفسران سه آیه از آیات این سوره یعنی آیات ۶۸ ، ۶۹ و ۷۰ را «مدنی» دانسته و می گویند این سه آیه در مدینه نازل شده است .

اگر میزان در شناسایی آیات مکی از مدنی مفاد و

مضامین آن آیات باشد، شایسته است که آنها را نیز مکی بدانیم، زیرا مفاد و مضمون آنها بیشتر با محیط مکه سازگارتر است، و موضوع بحث در این سه آیه مسئله توحید و یگانگی خداوندی از پرستش غیر خداوند و جلوگیری از خون ریزی و نجاوزه نوامیس و تهدید گناهکاران با کفرهای سخت روز ستائیز است و در پایان این سه آیه توید می دهد که اگر آنان راه توبه را پیش گیرند، خداوند نگاهان آنان را می بخشد.

بنابر این مفاد این آیات با اوضاع و احوال مردم مکه که بت پرست و خونریز بوده و از اعمال نامشروع پرهیز نداشتند، بیشتر تطبیق می کند تا با محیط مدینه که محیط اسلامی بوده و از بت پرستی و تجاوز به نوامیس بر اثر نفوذ حکومت اسلام چندان اثری نبود. خصوصاً که آیات سه گانه با جمله «**والذین**

لا یدعون مع الله الهه الاخره» کسانی که با پرستش خداوند، معبود دیگری را نمی پرستند» آغاز شده است و این نوع احکام عمومی بیشتر با اوضاع مشرکان مکه مناسب است. بنابر این روشنتر این است که بگوئیم مجموع

آیات سوره، مکی است.

در این سوره نخست از توحید و یگانگی خداوند و نکوهش بت پرستی سخن به میان آمده سپس قرآن و نبوت پیامبر اسلام مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است، و برخی از پاره های واهی و سست مشرکان را پیرامون قرآن متذکر گردیده و پاسخ گفته است، و سرانجام مسئله اوضاع هولناک رستاخیز را مطرح نموده و نکات و حقایق را متذکر گردیده است و مطلب را با یاد آوری زندگی منتهای نیرومند و گردنکش که طومار زندگی آنان در اثر طغیان درهم پیچیده شده است، و اثر و نشانی از آنان باقی نمانده، به پایان رسانیده است، تا از این طریق اندرزهای قرآن در قلوب مردم جای بگیرد.

خداوند در آخر سوره يك رشته اصول اخلاقی و اعتقادی و عملی اسلام را به عنوان «**نشانه بندگمان خدا**» به شکل جالبی مطرح میکند و برای شناسایی بندگان خدا سیزده نشانی که هر کدام در مورد بت پرستی و تجزیه و تحلیل است، یاد آور می شود و به این ترتیب سوره به آخر می رسد.

بقیه از صفحه ۳

تازگی در جراند خواندیم که يك روستای ایتوبی به کلی نابود گردید زیرا کودکان و افراد ناتوان آن از گرسنگی می مردند، و بقیه که برای تهیه آذوقه ای از روستا با طرف رفته بودند در راه از پای درآمدند، در حالی که در غرب عربده میخواران و رقص و پایکوبی شب زنده داران و ولخرجیهای عجیب و غریب در راه مد پرستی لحظه ای قطع نشد و کسی حتی برای آن مردگان بینوا که ترین تکانی نخورد، و جوانان آنها به شاهکار اجتماعی و اخلاقی رژه برهنگان مشغول بودند.

آیات ظاهرات مکشوف العوره ها نشانه این نیست که تمدنهائی از نوع غربی از

درون می بوسد و فرو می ریزد؟! .